

Unit 28 book 5

آکواریوم

آکواریوم ساختمانی است که ماهی و حیوانات زیر آب در آن نگهداری می شود.
ما سفری به آکواریوم کردیم و کوسه ای ترسناک دیدیم.

خودسرانه

اگر چیزی خودسرانه باشد ، بر اساس هیچ طرح یا سیستمی نیست ، بنابراین تصادفی به نظر می رسد.
کلاس بسیار قوانین خودسرانه ای داشت که مرا گیج می کرد.

زندگینامه

زندگینامه یک داستان واقعی از زندگی یک شخص است که توسط آن شخص نوشته شده است.
من یک زندگی نامه درباره سرگرم کننده مورد علاقه خود خواندم.

قرارداد

عرف رفتاری است که امری عادی یا مودبانه تلقی می شود.
در ایالات متحده ، یک عرف محبوب این است که هنگام ملاقات با کسی دست دهید.

بخشنده

اگر کسی لطف کند ، پس مهربان است و به کسانی که به آن نیاز دارند کمک می کند.
اپراتور آنقدر لطف داشت که به من کمک کرد شماره خود را پیدا کنم.

بهبتر کردن

بهبود چیزی به معنای بهتر کردن آن است.
او برای بهبود نمرات آزمون سال قبل سخت درس خواند.

عایق بندی کردن

عایق کاری به معنای محافظت از آن در برابر گرما ، سرما یا سر و صدا است.
افراد با عایق بندی خانه های خود می توانند در مصرف انرژی صرفه جویی کنند.

فریفتن

فریب دادن به معنای ایجاد علاقه به چیزی یا کسی است.
گذشته مرموز او دوست جدیدش را شیفته خود کرد.

طول عمر

طول عمر توانایی زندگی طولانی مدت است.
لاک پشت های دریایی طول عمر شگفت انگیزی دارند.

بی جا گذاشتن

بی جا گذاشتن چیزی به معنای از گم کردن آن است.
کیف پولم را جا به جا کردم و تا یک هفته بعد آن را پیدا نکردم.

بازیگوش

وقتی بچه ها شیطننت می کنند رفتار بدی دارند یا آنچه را که به آنها گفته می شود انجام نمی دهند.

پسر مجبور شد به اتاقش برود زیرا شیطننت می کرد.

هنجار

هنجار شیوه ای از رفتار است که در یک جامعه خاص طبیعی تلقی می شود. پوشیدن کت سنگین در تمام تابستان در صحرا عادی محسوب نمی شود.

اورانگوتان

اورانگوتان یک میمون بزرگ با موهای قرمز و قهوه ای و بازوهای بلند است. اورانگوتان ها از بازوهای بلند خود برای چرخش از درخت استفاده می کنند.

اضافه بارکردن

اضافه بار کردن چیزی به معنای قرار دادن چیزهای بیشتر از آن است که منظور نگه داشتن آن است. اگر کامیون را بیش از حد بار کنید ، ممکن است خراب شود.

خیرخواهی

نیکوکاری عملی است که به دیگران کمک می کند ، بدون اینکه در عوض چیزی بخواهید. صاحب مشاغل ثروتمند بخاطر کارهای خیرخواهانه خود مشهور است.

پویشگر

تحقیق در مورد چیزی به معنای پرسیدن سوال برای کشف حقایق در مورد آن است. بانک تاریخچه مالی وی را جستجو کرد تا ببیند صلاحیت دریافت وام را دارد یا خیر.

گیرنده

گیرنده چیزی شخصی است که آن را دریافت می کند. امروز گیرنده چهار تماس تلفنی بودم.

خزنده

خزنده حیوان خونسردی است که تخمگذاری می کند و پوسته اش از فلس پوشیده شده است. مارمولک ها نوع خزنده مورد علاقه من هستند.

شکوفای شدن

رشد و نمو به معنای خوب انجام دادن و موفق ، سالم یا قوی بودن است. ممکن است او پیرمرد باشد ، اما همچنان به پیشرفت خود ادامه می دهد.

نهایی

وقتی چیزی نهایی است ، نتیجه پایانی یا هدف مجموعه ای طولانی از وقایع است. با تلاش زیاد در مدرسه ، به هدف نهایی خود یعنی دکتر شدن خواهم رسید.

بخت آزمایی

جو در حال تماشای تلویزیون بود که صدای کوبیده شدن در را شنید. او فکر کرد ، "چه کسی می تواند باشد؟ احتمالاً یکی از بچه های بازیگوش محله است." جو ایستاد و به سمت در رفت. وقتی آن را باز کرد ، زن زیبایی را دید.

او گفت ، "صبح بخیر ، جو! من خبر خوبی دارم شما دریافت کننده این چک یک میلیون دلاری هستید! شما برنده قرعه کشی شدید!"

جو باور نمی کرد ذهنش بیش از حد پر از احساسات شده بود. جو گفت: "ممنون! متشکرم!"

جو بعد از اینکه آرام شد ، در صورت گم کردن بودن چک اصلی ، از آن عکس تهیه کرد. او نشست و به این فکر کرد که با پول می خواهد چه کار کند. او نمی خواست آن را به روشی خودسرانه خرج کند. جو فکر کرد ، "من می دانم که دیگران هستند که بیش از من به این پول احتیاج دارند. من همیشه حیوانات را دوست داشته ام ، بنابراین فکر می کنم برای باغ وحش چیزهایی باید بخرم!"

جو می دانست که باغ وحش در وضعیت نامناسبی قرار دارد. قفس ها خیلی کوچک بودند و از سرما عایق نبودند. حیوانات در چنین شرایطی نمی توانند رشد کنند.

مقداری لوازم التحریر بیرون آورد و نامه ای به باغ وحش نوشت. وی پیشنهاد داد به باغ وحش کمک کند تا قفس های بزرگی برای پستانداران بزرگ و خزندگان خریداری کند. وی پیشنهاد داد که برای اورانگوتان ها غذای سالم بخرد تا طول عمر آنها بیشتر شود. او حتی گفت که دیوارهای شیشه ای جدیدی را برای آکواریوم خریداری می کند زیرا دیوارهای قدیمی ترک خورده است.

عمل خیرخواهانه جو ، نگهبان باغ وحش را شیفته خود کرد. او جو را کاوش کرد تا بداند چرا پول خود را برای بهبود باغ وحش خرج کرده است. این یک عرف اجتماعی برای یک شخص نبود که چنین لطف کند.

جو به نگهبان حیات وحش گفت: "من می دانم که این یک قاعده نیست ، اما تصمیم نهایی من برای کمک به این حیوانات بهتر از هر کاری است که می توانستم برای خودم انجام دهم. اگر روزی زندگی نامه ای بنویسم ، خواهم نوشت که این روز خوشترین روز زندگی من بود."